

# فہمست وزیران دوران

محمد ولی خان



سردار اکرم



نصر السلطنہ



سردار معظم



سپہسالار اعظم



سپہدار اعظم



از : جمشید ضرغام پروجنی

پڑوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سپہسالاری کہ مشروطہ خواہان

را بگلولہ بست خود از

سرداران مشروطہ خواہ شد

# مشروطه از ابتدا تا کنون

یکی از دو سردار (۱) فاتح تهران که در اولین کابینه بعد از استبداد صغیر که بنا به

۱- حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری فاتح دیگر تهران است نامبرده چهارمین فرزند حسینقلی خان ایلخانی بختیاری است پدرش در ۲۷ رجب سال ۱۲۹۹ (هـ - ق) به امر ناصرالدینشاه و بدست مسعود میرزای ظل السلطان حکمران اصفهان کشته شد و علیقلی خان و برادر بزرگش اسفندیارخان پسران او مدتها در زندان اصفهان ماندند تا اینکه با کمک میرزا علی اصفرخان امین السلطان آزادی یافته به تهران آمدند اسفندیارخان با گرفتن لقب سردار اسعد رئیس ایل شده به بختیاری رفت و علیقلی خان فرمانده سوار بختیاری کشیکخانه سلطنتی شده و جزء اداره سواره دیوانی تحت نظر محمد قاسم خان صاحب جمع برادر اتابک قرار گرفت از این بی بعد علیقلی خان خود را با اتابک نزدیک کرد و از ۱۳۰۸ (هـ - ق) تا کشته شدن ناصرالدینشاه در سال ۱۳۱۳ (هـ - ق) با درجه سر تپی که داشت ریاست سوار بختیاری و کشیکخانه سلطنتی را برای خود حفظ کرد. پس از قتل ناصرالدین شاه مدت ۴۰ روز حفاظت از اتابک و ابنیه سلطنتی را به عهده داشت تا اینکه مظفرالدینشاه در مقام سلطنت مستقر گردید .

در سال ۱۳۲۱ (هـ - ق) پس از عزل اتابک مدتی به بختیاری رفت و در سال ۱۳۲۳ (هـ - ق) پس از مرگ برادرش به پیشنهاد عین الدوله از طرف مظفرالدینشاه لقب سردار اسعد و نشان و حمایل بوی داده شد و مأمور انتظام لرستان گردید اما این مأموریت چندان نپایید که با روپا رفت و بیشتر در پاریس اقامت گزید و در جریان استبداد صغیر پس از ملاقات با سرچارلز هاردینگ معاون ثابت وزارت خارجه انگلستان و با مساعدت برادر دیگر خود نجف قلی خان مصمص السلطنه قائد نهضت مشروطه خواهان بختیاری شد و پس از فتح تهران و خلع محمد علیشاه در هیئت دولت بدون رئیس الوزرا به سمت وزیر داخله تعیین گردید و روپا گرفته مدت ۵ ماه وزیر داخله و یکماه هم وزیر جنگ گردید و مدتی هم نماینده انتخابی مجلس شد پس از فوت رضا المانک بفکر نایب السلطنه شدن هم افتاد ولی چندان باینکار اشتیاقی نشان نداده و میگفت اگر من نایب السلطنه شوم اختلاف بین بختیاریها خواهد افتاد ، از این

رأی شورای عالی رجال (۱) و روحانیون بدون رئیس الوزراء در ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۷ (هـ - ق) سمت وزارت جنگ را داشت محمد ولی خان تنکابنی است .

مشارالیه در در دوران سلطنت چهار پادشاه قاجار ( ناصرالدینشاه - مظفر - الدینشاه - محمد علیشاه و احمد شاه ) تصدی امور مختلفی را در هیئت حاکمه ایران داشته و با اینکه خود یکی از کسانی بوده که چندین بار مأمور سرکوبی مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان ایران شده ناگهان در مأموریتی طریق خدمت باستبداد را رها کرده و در صف آزادیخواهان و سرداران مشروطه جای میگیرد و بالاخره در ۱۵ رمضان ۱۳۲۷ (هـ - ق) در فترت بین دوره اول و دوم قانونگذاری رئیس الوزرای حکومت مشروطه سلطنتی ایران می شود .

بعید دیگر قبول کاری نکرد و با تکیه قدرت بختیاری و شخصیتی که داشت تا مدت‌ها گرداننده کارها و باصطلاح وزیر تراش بود ، سردار اسعد را باید از بهترین و فهمیده‌ترین سران بختیاری دانست که از ظلم و تعدی ، اجحاف و اخاذی ، حق‌کشی و بی‌عدالتی بدور بود . مردی متین ، نظر بلند ، باگذشت ، مهربان ، جوانمرد و معارف‌پرور بود . قریب ۲۰ جلد ترجمه و تألیف دارد .

کتابهای سفرنامه برادران شرلی - سفرنامه تاورینه - مارگریث اثر الکساندر دوم - هانری سوم و دوره کتاب آبی انگلیس راجع بایران بدستور او ترجمه شد . تاریخ بختیاری از تألیفات اوست . از نامبرده فرزندان بیجا ماند که عبارتند از : جعفرقلی سردار اسعد - محمد تقی امیر جگک - محمدخان سالاراعظم - محمد علی سردار بهادر - خان باباخان - منوچهرخان .

۱ - مجلس عالی پس از خلع شاه و نصب شاه جدید برای گردانیدن امور مملکت تا انتخاب مجلس شورایی تازه نظر بدانکه مجلس عالی از اعضای خیلی زیاد مرکب شده بود کمیونی با اسم کمیسیون عالی برقرار کرد که هر روز می نشستند و بکارها رسیدگی می کردند و تصمیماتی اتخاذ می نمودند هیئت وزرائی هم تعیین شد که سپهد ارتنکابنی وزیر جگک و حاج علیقلی خان بختیاری سردار اسعد وزیر داخله و سردار منصور وزیر پست و شاهزاده فرمانفرما وزیر عدلیه آن بود کمی بعد چون کمیسیون عالی نیز هیئت بزرگ و مشتمل بر عده زیادی از اعضاء بود در آخرماه رجب هیئت کوچکتری مرکب از ۲۰ نفر دارای قوه اجرائیه شبیه به دیراکتور انقلاب فرانسه انتخاب شد ..... که موسوم شده به هیئت مدیره موقتی ، خطاب به موقتی ، خطاب به موقتی ، خطاب به موقتی .

محمد ولی خان تنکابنی متولد ربیع الاول ۱۲۶۴ ( ۵ - ق ) در محال ثلاث تنکابن و پسر حبیب‌اله خان ساعدالدوله و نوه ولی خان (۱) سرتیپ تنکابنی است که از فرماندهان سپاه محمد شاه قاجار در محاصره شهر هرات میباشد .

محمد ولی خان از سنین کودکی وارد خدمت نظام شده و هنگامی که درجه سرهنگی گرفت مدتی مأمور حفاظت یکی از دروازه‌های تهران شد و دو سال بعد تحت نظر محمد ناصر خان ظهیرالدوله مأمور فرو نشان‌دن یاغیگری تر کمانها گردید و از این مأموریت با موفقیت به تهران بازگشت نمود . در زمان سپهسالاری (۲) دوم میرزا حسین خان قزوینی در زمان ناصرالدینشاه بر خوردی بین محمد ولی خان و سپهسالار قزوینی روی میدهد که محمد ولی خان با شمشیر کشیده به سپهسالار حمله کرده و بمناسبت این گستاخی با امر شاه می‌خواستند چشههای او را در بیاورند که وساطت و پیش‌کشی دو بیست هزار تومانی پدرش به داد او رسید و پس از مدتی از طرف همین میرزا حسین خان سپهسالار درجه سرتیپی گرفته و لقب سردار اکرم برایش صادر و حاکم رشت و تنکابن میشود و پس از مدتی چون در پذیرائی و استقبال از سفیر عثمانی رضایت ناصرالدینشاه را فراهم کرده بود از طرف ناصرالدینشاه مأمور حکومت استرآباد (گرگان) شد که جلوی ترکمنهایی را که بخاک ایران تجاوز میکردند بگیرد و پس از سرکوبی تر کمانان در این مأموریت است که به تهران احضار و لقب نصرالسلطنه بوی داده میشود .

پس از مدتی آخرین شغل خود را در زمان ناصرالدینشاه میگیرد و با دادن پیش‌کش

۱- ولی خان از سرداران برجسته محمد شاه قاجار است که در جنگ هرات کشته می‌شود و مختصراً باید اشاره شود که جنگ‌های هرات از برجسته‌ترین حوادث سالهای سلطنت محمد شاه قاجار است در این جنگها بر اثر رشادت و دلاوری قشون ایران با وجود کمک‌های مادی و معنوی انگلستان ( بر خلاف تعهدات صریحی که در قراردادها با دولت ایران داشت ) که با اعزام افسر و ارسال اسلحه با افتخارها همراه بود قلعه مستحکم هرات سقوط نمود و بنام شاه ایران خطبه خوانده شد ولی نیروی دریائی انگلستان در این موقع به بنادر جنوب تجاوز کردند و قشون ایران ناگزیر شهر هرات را رها کردند و عقب نشستند .

۲- در تاریخ ایران دوره قاجاریه دو سپهسالار مشهور هستند یکی میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی بانی مسجد سپهسالار و دیگری محمد ولی خان سپهسالار .

به کامران میرزا نایب السلطنه رئیس ضرابخانه (۱) میشود و عنوانش وزیر عیار و مسکوکات دولت علیه ایران میگردد و بیش از یکسال در این کار دوام نمی آورد که متهم به کم و کسر در عیار مسکوکات میشود و کنار میرود . بطور کلی محمد ولی خان در زمان ناصرالدینشاه بیشتر مأموریتهای خارج از تهران را داشت .

در اوایل سلطنت مظفرالدینشاه برای اولین بار وزیر گمرک شد و تا اواخر سال ۱۳۱۴ ( هـ - ق ) بر سر این کار بود که امین الدوله او را از کار برکنار کرد و محمدولی خان نصر السلطنه قریب دو سال تقریباً بیکار بود .

در سال ۱۳۱۷ ( هـ - ق ) بحکومت گیلان رفت و حکومتش چهار سال و چهار ماه طول کشید و در همین دوران بود که از مظفرالدینشاه لقب سردار معظم را گرفت .

در دوم صفر سال ۱۳۲۲ هـ - ق ، در زمامداری عین الدوله از طرف محمد علی میرزا ولیعهد که والی آذربایجان بود حکومت شهرهای اردبیل و مشکین و خلخال باو واگذار گردید و محمد علی میرزا یک شمشیر اعلا باو داد و حکومتش یکسال در آن نواحی طول کشید پس از بازگشت به تهران در موقع سفر سوم مظفرالدینشاه تلگرافخانه را اجاره کرد و ملقب به سپهدار اعظم شد و ضمناً وزیر تلگراف و امیر توپخانه و فرماندهی فوج مازندران و گیلان و قزوین بعهده اش واگذار گردید و چون مأمور حکومت استرآباد شد از طرف خود سردار منصور را باجاریه داری یا مقاطعه (۲) کاری و جانشینی برقرار کرد و به محل مأموریت رفت .

در آغاز مشروطیت محمد ولی خان که عمر شصت ساله خود را صمیمانه در خدمت دربار قاجار و پادشاهان آن صرف کرده بود و طبیباً هوادار دربار و اوامر پادشاه بود موقعی که حوادث اولیه مشروطه و مهاجرت مشروطه طلبان در سلطنت مظفرالدینشاه بحضرت عبدالعظیم پیش آمد و همچنین در اجتماع علمای تهران در مسجد جامع ، سپهدار از طرف دولت مأمور قلع و قمع متحصنین گردید و خیلی هم شدت عمل بخرج داد که در جریان مسجد جامع متجاوز از صد نفر کشته و زخمی شدند و خصومت خود را در این حوادث به مشروطه خواهان نشان داد و با بیرحمی مردم را متفرق کرد .

در سلطنت محمد علیشاه از فرماندهی توپخانه و افواج مأمور حفظ پایتخت برکنار

---

۱- نویسنده رهبران مشروطه تصدی این شغل را در ۱۳۰۴ هـ - ق ، میداند و نویسنده رجال ایران در ۱۳۱۰ ( هـ - ق ) میداند .

۲- در این موقع قرارداد ساختمان راه چالوس را با دولت منعقد می نماید .

شد و تنها امور تلگراف و فرماندهی فوج قزوین را داشت تا اینکه بجای امیراعظم والی گیلان شد و در همین مأموریت باز هم بنای مبارزه با مشروطه خواهان گیلان را گذاشت ، انجمن ولایتی تنکابن را بست و چند نفر از علمای مشروطه خواه را از تنکابن تبعید کرد که این رفتار او در مجلس اول مورد اعتراض واقع گردید .

در همین دوران از طرف میرزا احمدخان مشیرالسلطنه رئیس الوزراء ، سپهدار بار دیگر عازم استرآباد و دفع قتنه ترکمانان شد ، پس از به توپ بستن مجلس ، از استرآباد مراجعت و از طرف محمد علیشاه فرمانده قوای اعزامی به آذربایجان و مأمور متفرق نمودن مشروطه خواهان تبریز گردید که پس از چند ماه توقف در خارج شهر و عدم سازش با عین الدوله فرمانفرمای آذربایجان ناگهان بسمت تنکابن حرکت کرد و در آنجا ندای (۱) آزادیخواهی را بلند کرد و « انجمن عدالت » را تشکیل داد .

محمدعلیشاه در محرم ۱۳۲۷ ( ه - ق ) ضمن تلگرافی بدین شرح که « محمد ولسی محض فوق نمک بحرانی توبه دولت ترا از شئون دولت خارجی و املاک ترا خالصه نمودیم - از باغشاه - محمدعلیشاه »

تمام عناوین و امتیازات سپهدار را از او سلب کرد و وی هم ضمن پاسخ به تلگراف (۲)

۱- نویسنده تلاش آزادی می نویسد: « شاید روگرداندن سپهسالار خلعت بری از مستبدین و ترک محاصره تبریز و همکاری او را با مجاهدان بتوان با مناسبات او و خانواده اش باطل السلطان ارتباط داد - در باب این مناسبات صمیمانه رجوع شود به سرگذشت مسعودی ص ۴۸ » و نویسنده رهبران مشروطه عقیده دارد « سپهدار در باطن از دربار محمد علیشاه ناراضی بود وقتی دید عمر حکومت محمد علیشاه پیاپی رسید بحکم موقع شناسی برای حفظ مقام و ثروت و موقعیت خود مشروطه خواه شد » .

کسروی در تاریخ ۱۸ ساله می نویسد: « سپهدار که از تبریز بازگشته و به تنکابن بر سر دبه های خود شتافته بود بدانسان که با ستارخان و باقرخان پیمان نهاده بود آشکارا به هواداری مشروطه برخاست و به دربار محمد علی میرزا تلگراف فرستاده روگردانی خود را بی پرده گردانید از این کار او در مازندران و استرآباد جنبش پدید آمد در استرآباد از پرداخت مالیات به محمد علی میرزا خودداری نموده آشکارا درفش آزادیخواهی برافراشتند در تنکابن انجمن برپا نموده پیامها بهمه جا فرستادند » .

۲ - تلگراف محمد ولی خان این است : باغ شاه - الحمدلله که از این نتگ خارج شدم و در املاک من هیچ کس قدرت دخالت نخواهد داشت .

شاه باکمک و همراهی فراوان آزادبخواهان شمالرایت مشروطه را برافراشت و از تنکابن بوسیله تلگراف با سایر مراکز انقلابی ایران یعنی تبریز و اصفهان که زمینه قیام بختیارها در آن فراهم شده بود تماس حاصل نموده ضمناً با آزادیخواهان رشت که عده‌ای از آزادیخواهان تبریز و قفقازهم با آنها همکاری میکردند و کمیته‌های مختلفی برای مبارزه با استبداد تشکیل داده بودند ارتباط پیدا نموده و بگفته مرحوم کسروی در نهان بسیج کار کرده در پی بهانه و فرصت بودند که بشورش برخیزند و چون سپه‌دار در تنکابن بیرق مشروطه برافراشته و نیروئی با خود داشت اینان کسانی نزدی فرستاده خواستار شدند که آهنگ گیلان نمایند.

سپهدار هم از این فرصت استفاده کرده به انزلی و غازیان و سپس برشت رفت و در رشت مورد استقبال قرار گرفت و پس از این که در حدود سه ماه و نیم در رشت ماند در فتح تهران مصمم گردید و با دستجات مسلح که عملیات جنگی آنها بوسیله و بابشکار پیرم - معز السلطان - منتصر الدوله سالار فاتح اداره میشد بسمت قزوین حرکت کردند البته پیشقراول قوای شمال که پیرم و منتصر الدوله بودند شب (۱۴ ربیع الثانی) که شهر قزوین جشن تولد محمدعلیشاه را برپا کرده بود بشهر حمله و آنرا تسخیر نمودند و سپهدار هم روز (۱۷ ربیع الثانی) بقزوین رسید و پس از این که استقبال باشکوهی از او بعمل آمد با تهران - اصفهان تماس گرفته و چون مطلع شد که شاه فرمان اعاده مشروطه را داده است در کار خود دودل گردید ولی تسلط سران مجاهد و تصمیم قوای بختیاری به فتح تهران و پیوستن به مجاهدین گیلان او را بصحنه مبارزه با قوای دولتی کشاند. و بالاخره پس از زد و خورد هائی اردوی شمال و جنوب وارد تهران شد.

البته قوای کار آمد این مبارزات بختیاری‌ها بودند و اگر بختیاری‌ها نبودند سپهدار به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد.

پس از فتح تهران و پناهنده شدن محمدعلیشاه بسفارت روس احمد شاه به نیابت علیرضاخان عضدالملک رئیس ایل قاجار بسلطنت رسید سپهدار اعظم و حاجعلیقلی خان سردار اسعد بختیاری از اشخاص اول ایران شدند و در هیئت دولتی که پس از فتح تهران بدون رئیس‌الوزراء به عضدالملک نایب‌السلطنه معرفی گردید سپهدار وزیر جنگ و حاجعلیقلی خان سردار اسعد بختیاری وزیر داخله شد.

و این دولت موقتی بدون رئیس‌الوزراء در ماه رمضان ۱۳۲۷ (هـ.ق) تغییر یافت و کابینه رسمی در ۱۵ رمضان ۱۳۲۷ (هـ.ق) همان سال تشکیل و سپهدار رسماً رئیس‌الوزراء

گردید این کابینه که انتخابات دوره (۱) دوم را انجام داد پس از مدتی ترمیم و در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ (هـ - ق) کابینه ترمیمی بمجلس شورای ملی معرفی و بهمین جهت اقدامات کابینه (۲) دوم دنباله اقدامات کابینه اول بود. اشتغال مهم این کابینه انتظام وضع آشفته‌ای بود که بعلت تغییر رژیم و برچیده شدن بساط حکومت خودکامگی و تغییر حکومت استبدادی بمشروطه پیش آمده بود در دوران این کابینه مجلس دوم که از «مترقی‌ترین» (۳) و «کاملترین» مجالس ایران بوده، تصمیم گرفت که با قرض داخلی خود را از چنگال روس و انگلیس برهاند و برای این منظور املاک خالصه را وثیقه قرارداد و با تشکیل اداره دیون عمومی و استقراض داخلی پیشنهاد قرضه خارجی را رد کرد کابینه سوم شهیدار در روز ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ (هـ - ق) با تغییراتی بمجلس معرفی شد بدین معنی که سردار اسعد وزارت جنگ و شهیدار علاوه بر مقام ریاست وزرائی وزارت داخله را هم عهده دار شد. کابینه ترمیمی چهارم شهیدار در ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ هـ - ق بمجلس شورای ملی معرفی شد و در سوم رجب ۱۳۲۸ هـ - ق شهیدار استعفا نمود و دوران اول زمامداریش که از فتح تهران شروع شده

۱- در همین موقع شهیدار بمناسبت افتتاح مجلس استعفاى خود و کابینه را به نایب‌السلطنه تقدیم کرد ولی موقتاً هنوز کابینه کار میکرد تا بمجلس رسمیت پیدا کند مجلس ابتداء بر ریاست سنی حاج ابوالحسن میرزا شیخ رئیس و بعد بر ریاست موقتی مؤتمن الملك تشکیل شد و بالاخره روز ششم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ هـ - ق مستشارالدوله صادق بر ریاست قطعی مجلس انتخاب گردید و باین ترتیب دوره دوم مجلس شورای ملی شروع بکار کرد و چون نیابت سلطنت عضدالملک از طرف شورای عالی موقتاً تا افتتاح مجلس تعیین شده بود در روز نهم ذی‌قعدة موضوع انتخاب نایب‌السلطنه در مجلس مطرح شد و عضدالملک با ۵۱ رأی از ۵۴ نفر عده حاضر به نیابت سلطنت انتخاب گشت در جلسه چهارشنبه دهم ذی‌قعدة در مجلس از مساعی خادمین ملت و کسانیکه در راه استقرار مجدد مشروطیت فداکاری و جانفشانی کرده بودند صحبت شد و برای شش نفر منجمله شهیدار و سردار اسعد تقدیر نامه‌هایی باتفاق آراء تصویب و بر لوح طلا نوشته به آنها داده شد.

۲- این کابینه شهیدار اولین کابینه دوران مشروطیت است که بر نامه کار خود را تقدیم مجلس شورای ملی کرده و پروگرام کابینه شهیدار اعظم با توجه باین که بودجه هیچ اداره ولو این که موقتی یا سنواتی باشد نمیتوان بموقع اجرا گذارد مگر این که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده باشد. در جلسه ۲۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ (هـ - ق) به تصویب مجلس رسیده است.

۳- تقی‌زاده.



بود و متجاوز از یکسال دوام داشت پایان یافت و سپهدار و سردار اسعد هر دو بنمایندگی (۱) مجلس تعیین شدند و میرزا حسن خان مستوفی الممالک که طرف توجه دموکراتها بود روی کار آمد.

دوره دوم زمامداری سپهدار ( که نتیجه مستقیم ورود ناصر الملک نایب السلطنه با عقاید احتیاط آمیز و اعتدالی بود ) از ۹ ربیع الاول ۱۳۲۹ هـ - ق برابر با ۲۰ اسفندماه ۱۲۸۹ شمسی شروع میشود.

از این موقع تا مرداد ماه ۱۲۹۰ شمسی سه دولت تشکیل داده و برنامه کار خود را تقدیم مجلس دوم کرد و از مجلس تقاضای اختیارات وسیع برای حفظ نظم و برقراری امنیت - اصلاح مالیه بکمک مستخدمین خارجی - اصلاح مدارس ابتدائی و متوسطه - توجه بامر تجارت و اصلاح قانونی بلدیه نمود و این تقاضا در ضمن برنامه دولت ملحوظ شده بود که پس از بحث و کشمکش شدید پروگرام این کابینه در ۱۵ اسفند ۱۲۸۹ شمسی بتصویب رسید . دوره کوتاه حکومت این کابینه غیر از هرج و مرج و همیشگی ایالات مصادف با چند قضیه مهم بود :

اولاً - اختلافات حزبی میان اعتدالیون و دموکراتها بصورت وخیمی درآمد ( این موضوع در چند روزنامه منعکس میشد و بخصوص مطبوعات دموکراتها به سپهدار حملات زیادی میکردند )

ثانیاً - ورود و استقرار مستشاران مالی امریکا.

ثالثاً - مذاکره برای اخذ قرضه بمبلغ ۱/۲۵۰ میلیون لیره از بانک شاهنشاهی ، رابعاً - شروع تحریکات محمد علی شاه مخلوع برای بازگشت بایران و بالاخره طرح بودجه مملکت در ماه جمادی الثانی در مجلس شورای ملی و جرح و تعدیلاتی که در آن بعمل آمد و مقداری از بودجه دربار کم شد. در ۱۵ جمادی الثانی اختیارات مالی

۱- در دوره دوم مجلس رسم چنین بود که اگر نماینده ای در ضمن مدت نمایندگی فوت می نمود یا استعفا می داد از خود مجلس کاندیدائی بجای او تعیین میشد و مجلس بآن شخص رأی میداد و نماینده را انتخاب و آن شخص وکیل مجلس نامیده میشد در این تاریخ دونفر از نمایندگان میرزا علی محمدخان وزیرزاده نماینده گیلان و دیگری میرزا حسین خان دبیر الملک استعفا کرده بودند در جلسه علنی مجلس روز دوشنبه چهارم رجب ۱۳۲۸ هـ - ق که بریاست ذکاء الملک تشکیل شد درحالی که سپهدار و سردار اسعد از وزارت و عضویت کابینه مستعفی شده بودند در اوایل جلسه آنها را بجای دبیر الملک و وزیرزاده پیشنهاد و سپهدار با ۵۱ رأی بجای دبیر الملک و سردار اسعد با ۵۸ رأی بجای وزیرزاده بسمت نمایندگی مجلس تعیین شدند.

خزانه داری کل بتصویب مجلس رسید و بشوستر اختیارات وسیعی داده شد .  
 رویهم رفته سپهدار که از اوضاع ناراضی بود و در مجلس هم بر سر موضوع بودجه گفتگوهائی شده بود چون مجلس با نیت سپهدار که می خواست اعتبارات وزارت جنگ را اضافه کند موافقت نکرد بلافاصله از مجلس با حالت اعتراض خارج شد و بهرشت رفت .  
 دررشت خبر آمدن محمد علیشاه بهمراهی شعاع السلطنه و سالار الدوله انتشار یافت که اسباب نگرانی و وحشت عمومی گردید نایب السلطنه هم سپهدار را از رشت خواسته کابینه قبلی رامستعفی شناخت و کابینه ترمیمی جدیدی بریاست سپهدار مجدداً بر سر کار آمد و در روز چهارشنبه ۱۲ رجب ۱۳۲۹ ( ه - ق ) بمجلس شورای ملی معرفی شد و در همین جلسه مجلس بود که قانون معروف حکومت نظامی که از طرف دولت یا قید دوفوریت برای مقابله با محمد علیشاه تقدیم شده بود بتصویب رسید و این یادگار هم از کابینه سپهدار باقی ماند در این کابینه که در واقع يك کابینه جنگی بود وزارت جنگ بمعهده صمصام السلطنه بختیاری واگذار شد و نظریات او را پیرام اجرا میکرد و با توجه باین که صمصام و پیرم هردو نسبت باصول مشروطیت علاقه میورزیدند شروع بقلع و قمع دشمنان مشروطه نمودند این کابینه بعلت عدم اعتماد عمومی چند روز بیشتر دوام نیاورده سقوط کرد و در ۲۹ رجب ۱۳۲۹ ( ه - ق ) صمصام السلطنه بختیاری مأمور تشکیل دولت گردید و سپاه بچنگ محمد علیشاه اعزام داشت .

سپهدار پس از اینکه دوره دوم زمامداریش پایان رسید درسال ۱۳۳۰ ه - ق بحکومت آذربایجان رفت و پس از ۴ سال که از کار وزارت برکنار ماند در کابینه های میرزا حسن خان مستوفی الممالک در ۲۰ شوال ۱۳۳۳ ه - ق بسمت وزیر جنگ معرفی و همین سمت را نیز در کابینه عبدالحسین میرزا فرمانفرما که بلافاصله بعد از مستوفی الممالک در ۱۷ صفر ۱۳۳۴ ( ه - ق ) روی کار آمد بمعهده داشت در اواخر عمر این کابینه سپهدار لقب سپهسالار اعظم گرفت و در کابینه بعدی که در فترت بین دوره سوم و چهارم در تاریخ ۳۰ ربیع الثانی ۱۳۳۴ ( ه - ق ) تشکیل شد مجدداً ریاست دولت را بمعهده گرفت .

در این دوره زمامداری محمد ولی خان سپهسالار اعظم بمشکلات عمده ای که بیشتر از مداخلات خارجی و هرج و مرج داخلی ناشی بود گرفتار شد از مهمترین حوادث این دوره دخالت زیاده از حد روسها و انگلیسها در ایران بخصوص پس از خروج شوستر بود دولتهای نامبرده برای اعمال کامل نفوذ خود پروژه ای بایران پیشنهاد کردند که قوای ایران تجهیز شود و پولی هم بایران بپردازند که زیر نظر کمیسیون مختلط روسی و انگلیسی و ایرانی خرج شود این پیشنهاد البته باحیثیت و استقلال ایران تناسبی نداشت و بدولت ایران هم فشار زیادی در این مورد وارد میشد تا اینکه عاقبت سپهسالار حاضر بامضاء این قرارداد

گردید و معروف است که هنگام امضاء نوشت و بواسطه فورس مازور امضاء میکنم ، این کابینه بعلت تجاویزی که عثمانیها در مغرب ایران برای جنگ با روسها کرده بودند در اواسط شوال استعفا می کند و دوران زمامداری محمد ولی خان سپهسالار اعظم پایان میرسد از این زمان که متجاوز از ۷۰ سال عمر داشت دیگر دخالت مؤثری در کارهای دولتی نکرد و پس از پایان سومین دوره زمامداریش بیک رشته کارهای خصوصی خویش پرداخت در نخستین روزهای کودتا محمد ولی خان جزو کسانی بود که از طرف کودتاچیان توقیف گردید و در جریان مجلس مؤسسان که در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۴ شمسی تشکیل شد سپهدار د-صف نخست وزیران پیشین دیده شد و دیگر در هیچ مجلس رسمی حاضر نگردید .

از جمله کارهایی که سپهدار در دوران عمر پر فرازونشیب خود انجام داد ساختن راه چالوس به تهران است و این همان راهی است که اکنون بنام جاده مخصوص معروف و اتومبیل رور شده است محمد ولی خان از ساختن این راه نظرش احداث نزدیکترین راه میان تهران و مرکز حکومت ایلی در همان محال ثلاث تنکابن - کجور - کلارستاق میباشد بود در اردبیل ورشت مدرسه ساخت در قزوین سد معتبری بنا کرد در تهران فنوای احداث و محله ولی آباد تهران را ساخت در ۱۳۰۰ در کمیته کمک بقحطی زندگان شرکت نمود . سپهسالار در آخر عمر علاوه بر ناراحتی فراوان که از مرگ فرزندان علی اصغر خان ساعدالدوله برایش فراهم گردیده بود مسئله رسیدگی بحساب رجال و وصول بقایای مالیات از طرف دکتر میلسپو و بدهکاری به بانک استقراضی روس که دولت بموجب عهدنامه ۱۹۲۱ قائم مقام بانک استقراضی شده و در صدد مطالبه برآمده بود قدرت تحمل سردار پیرسختی ندیده را تحلیل برد و در محرم ۱۳۴۵ ( ه - ق ) برابر باشهریور ۱۳۰۵ دست بخود کشی زد . محمد ولی خان سپهسالار اعظم چهارزن گرفت که از آنها سه پسر بنامهای علیقلی خان امیراسعد - مرتضی قلی خان سردار اقتدار - علی اصغر خان ساعدالدوله و سه دختر داشت فرزندان و احفاد سپهدار بنام خلعت بری در ایران معروف میباشند .

سپهدار مردی جاه طلب ، مغرور (۱) - عصبانی - سختگیر - کینه توز - شجاع و بی باک بود از بزرگترین مالکان عصر خود بود و زندگی اشرافی داشت تحصیلات کافی نکرده بود ولی شعر را دوست میداشت در انجام وظایف دینی تا آنجا که می توانست کوشا بود از سپهدار یادداشتهائی بجای مانده که در حاشیه دیوان حافظ نوشته شده این یادداشتهای علاوه بر آنکه میزان معلومات سپهسالار اعظم را نشان میدهد نکات نسبتاً جالبی هم دارد که خواندنی و مجموع آنها در دست میباشد .

۱- يك مقدار از بروز اختلاف بين سپهدار و سردار اسعد را باید ناشی از غرور سپهدار دانست که حتی اکثریت هم از این غرور و روس ما بی دلخوش نبودند و برای طرد سپهدار توطئه میکردند .